

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله آداب اسلام ۱۹



بسم الله الرحمن الرحيم

محمد بن منذر بن سعید از ابوحاتم، محمد بن ادريس حنظلی، از عبدالرحمن بن ابی عطیه حمصی از خطاب بن معلى مخزومی قریشی نقل می کند که او فرزندش را نصیحت می کرد و می گفت:

پسرم، تقوای الهی پیشه کن و او را اطاعت کن و از چیزهای حرام دوری کن، و با پیروی از روش و نشانه های او، عیبهای خود را اصلاح کن، تا چشمانت روشنی پیدا کند. چون هیچ رازی از خداوند پنهان نمی ماند. من برای تو نشان و رسمی باقی می گذارم که اگر آن را حفظ کنی و به آن عمل کنی پادشاهان را خشنود، و گداها را به راه می آوری. و همیشه سود می بری و به تو محتاج می شوند، و مشتاق آنچه که در دست است می شوند، پس از پدرت اطاعت کن، و به وصیت پدرت راضی و خشنود باش، و ذهنت را برای آن خالی کن، و قلب و ذهنت را به آن مشغول بدار. تو را از بیهوده سخن گفتن، و بسیار شوخی کردن و خندیدن و مسخره کردن دیگران بر حذر می دارم. چون اینها باعث از دست رفتن ارزش و قدر تو می شود و منازعه برانگیز است. تو باید سنگین و با وقار باشی، و آنچنان مغرور نباشی که تو را با آن توصیف کنند. و دوست و دشمن خود را راضی نگه دار، و دست از اذیت و آزار آنها بردار. و از اشتباهات آنها چشم پوشی کن و در تمامی کارها میانه رو باش، چون بهترین چیز میانه روی است. و کمتر سخن بگو، و سلام دادن را رواج بده، و هدفمند و با وقار گام بردار، و با پاهایت خط نکش، و یا آنها را به دنبال

خود نکش، و گردنت و شلوارت را بالا نگیر، و زیر بغل خود را نگاه نکن، و زیاد نگاه نکن و در مقابل جماعت مردم نایست. و بازار را به مجلس سخن تبدیل نکن، و مغازه ها را جای بحث قرار مده. و زیاد جر و بحث مکن و با آدمهای سفیه جر و بحث نکن، و هنگام سخن گفتن کوتاه و مختصر سخن بگویی، و اگر شوخی کردی کوتاه باشد. و هرگاه نشستی چهارزانو بنشین و انگشتانت را درهم نکن، و صدای مفاصل آنها را در نیاور. و با ریش و انگشتی و دسته شمشیر خود بازی نکن، و در مقابل جمع دندانهایت را پاک نکن، و انگشتانت را در بینی نکن، و زیاد مگسها را از صورت خود نران، و زیاد خمیازه نکش، و خود را زیاد نکش، و از کارهای این چنینی که باعث تحقیر کردن خود در مقابل مردم، و شوخی کردن به تو می شود، بپرهیز.

مجلس تو، مجلس ارشادی باشد و سخنانت شمرده شمرده باشد و خوب به سخنان متکلم گوش فرا ده، بدون غرور، و مساله ای را چند بار تکرار نکن و از حکایتهای طنز و شوخی بپرهیز. و از غرور خود نسبت به فرزند و کنیز و اسب و شمشیر سخن مگویی. و تو را بر حذر می دارم از بازگفتن خوابهایت، چون اگر به حقیقت پیوست باعث غرور تو می شود و آدمهای نادان در آن طمع کرده و برای تو خوابهایی درست می کنند، و آلت شوخی و مسخرگی مردم می شوی. و مانند زنان چیزی را درست نکن، و مانند بردگان چیزی را نبخش. و ریشت را پشمالو و پرمو نکن و وسط آن را خالی نکن، و ریشت را نتراش و موهای سفید را نکن و زیاد سرمه زن و روغن

زیاد به بدنت نمال، سرمه زدنت نباید زیاد باشد. و نیازمندیهای خود را با اصرار به دست نیاور، و در درخواستهای خود خشوع نکن. و زن و بچه‌ات را از مقدار مالت با خبر نکن، چون اگر کم باشد تو را سبک می‌شمارند، و اگر زیاد باشد رضایت آنها را جلب نمی‌کند. و آنها را بدون خشونت بترسان و نسبت به آنان نرم‌خو باش، بدون اینکه احساس ضعف و درماندگی کنی، و کنیز و برده خود را مسخره نکن و اگر با آنها دعوا کردی با وقار و سنگین باش، و از جهل بپرهیز، و شتابزده عمل مکن، و در مورد دلایل خود تفکر کن، و کمی از صبر خود را به حاکم نشان ده، و کمتر با دست اشاره کن، و بر روی زانوهایت راه مرو، سرخرویی و آبرویی خود را حفظ کن، و اگر کسی بر تو حماقت کرد صبر پیشه کن، و اگر تو را عصبانی کرد باز صبر پیشه کن و آبرویت را حفظ کن، و چیزهای اضافی را از خود دور کن، و اگر سلطان به تو نزدیک شد و شروع به سخن گفتن کرد از ترس او چهره‌ات دگرگون نشود. و مانند یک بچه با وی مدارا کن، و به طبع او سخن بگو. نیکی‌های را که از او و نزدیکانش نسبت به خودت می‌بینی، تو را بر آن ندارد که در بین او و فرزندان او و خانواده‌اش و نزدیکانش فاصله بیندازی، هر چند که آنها به تو گوش فرا دهند و حرف تو را بپذیرند. چون اختلاف‌افکنی بین شاه و خانواده‌اش باعث سقوطی است که برخواستن ندارد، و لغزشی است که قابل اغماض نیست، و هرگاه وعده‌ای دادی آن را عملی کن، و هرگاه سخن گفتی راست بگو، و مانند دعوای انسانهای کر صدایت را بلند مکن، و مثل انسانهای

لال ساکت نباش. و سخنان را با احادیث مقبول برگزین، و هرگاه چیزی را که شنیده‌ای و تعریف می‌کنی، آن را به صاحب سخن منسوب کن. تو را از گفتن سخنان گذرا و زننده که قلبها را خوش نمی‌آید و پوستها را می‌درد برحذر می‌دارم. از تکرار کلام مثل بله بله، نه نه، زود باش زود باش، و امثال اینها بپرهیز. و بعد از غذا دستانت را با صابون بشوی و دندانهایت را مسواک بزن و در ظرف آب تف نکن، بلکه آبی را که در دهانت است کم کم بیرون بینداز. و آب را با دهانت مپاش چون به نزدیکانت می‌پاشد. و نصف لقمه را گاز زن و بقیه آن را در غذا فرو نکن، چون مکروه است، و بر سر سفره پادشاه زیاد طلب آب مکن، و سر سفره با سر نرم استخوان بازی مکن، و برای چیزهایی که در سر سفره نزدیک تو است خود را خسته مکن (مثل موقعی که سرکه یا ادویه جات یا عسل بر سر سفره کم باشد). ابر گاهی وقتها از صدای خود وحشت می‌کند. و مانند انسانهای محبوس و محدود دست خود را بسته نگه ندار. (خسیس نباش) و مانند انسانهای نادان و مغرور بخشش نکن. و بدان که در اموال تو کسانی هستند که حقوقشان واجب است. و به دوست احترام بگذار از کسانی که به تو نیازمندند بی‌نیاز باش. و بدان که حرص و آز عیب و غار آورد، و رغبت و علاقه موجب بردگی و بندگی است. و چه بسا که خوردن غذایی مانع خوردن غذاهایی شود. و پرهیزگاری و عفت پیشه کردن، ثروتمندی است، و ارزش شخص به اخلاق شایسته و شناخت وی است که عزتش را زیاد می‌کند، و کسی که از حد و ارزش خود

تجاوز کند، نابود می‌شود، صداقت زینت و دروغ‌گویی ننگ است. صداقتی که شخص را خدشه‌دار کند، بهتر از دروغ‌گویی است که شخص در نهایت سالم بماند، دشمنی انسان صبور بهتر از دوستی احمق است، و همراهی انسان بخشنده با خواری، بهتر از همراهی انسان پست فطرت با نیکی است. و در نزدیکی پادشاه بخشنده، بهتر از همسایگی انسان گیج، و همنشینی با زنی که بیماری بد و طولانی مدت دارد. خود را شبیه کردن به عقلاء، از جمله آنها می‌شوی، خود را شریف نشان دادن، شرف می‌آورد. بدان که هر کس در هر جایی چیزی را ساخته باشد، آن را به سازنده‌اش منتسب می‌کند، و شخص با همراهانش شناخته می‌شود، پس از رفیق بد بپرهیز، چون آنها به دوستان خود خیانت می‌کنند، و کسانی را که با آنها صادقند غمگین می‌کنند. نزدیکی با آنها از گری پست‌تر است و راندن آنها نشانه کمال ادب است. طلب مراقبت از کسی که به تو پناه آورده، نکوهیده است، و عجله کردن شوم است و بداندیشی، سستی می‌باشد. برادران دینی دو دسته‌اند: عده‌ای که هنگام بلا و مصیبت از تو محافظت می‌کنند، و در سستی و پستی رفیق تو هستند، پس این دوستان را نگه دار، و از دوستان هنگام سلامتی و رفاه بپرهیز، چون اینها بدترین دشمنانند. و کسی که از هوای نفس پیروی کند، پست می‌شود. ترشروی و اخموبودن بعضی از مردان تو را بهت زده نکند. و او را تحقیر و بی‌ارزش نکن. چون این انسان با قلب و زبانش سنجش می‌شود، و جز تحقیر شدن نفع

دیگری از آنها نمی‌برد.

و از فساد کردن بپرهیز، هر چند که در سرزمین دشمن باشی، و آبرویت را برای پایین مرتبه از خود پهن نکن، و مال و دارایی تو از آبرویت شریف‌تر نباشد. و حرف زیاد نگو، چون بر اقوام سنگینی می‌کند، و شر را از همنشینت بزدای، و کسی که می‌خواهد به دیدار تو بیاید، قبول کن. تو را از زیاد زینت کردن و زیاد روغن مالیدن به بدن نهی می‌کنم، چون ظاهر این کار مربوط به زنان است. و تو را از شوخی کردن با زنان (بیگانه) برحذر می‌دارم و هنگام فرصت و نیاز با آنها نزدیک و عزیز باش. در هر منطقه‌ای (از مسلمانان) لباس آنجا را بپوش، و هم شکل آنها شو.

و از چیزی که باعث پشیمانی تو در آخرت بشود، بپرهیز، و در کاری عجله نکن تا زمانی که جوانب آن را نسنجیده باشی، و آن را تا روشن نهایی نیز رد نکنی. هر ماه یک بار از نوره (ماده‌ای که موی زایده را ازاله می‌کند) استفاده کن، و تو را از تراشیدن موی زیر بغل با نوره برحذر می‌دارم.

مسواک زدن را جزء اخلاق خودت قرار بده. و تو را به ساختمان‌سازی توصیه می‌کنم، چون بهترین تجارت است و همچنین کشاورزی را به تو توصیه می‌کنم، چون از پرورش حیوان بهتر است. و نزاع تو با انسانهای پست فطرت باعث طمع آنها می‌شود. و کسی که آبرویش را گرامی بدارد. دیگران نیز آبروی او را گرامی می‌دارند. و اگر جاهلی تو را سرزنش کند بهتر از حمد و ثنای وی است.

و شناخت حق از جمله اخلاق صادقان است. و دوست و همراه صالح پسر عموی توست، و کسی که ثروتمند باشد، بزرگتر از تو، و کسی که فقیر باشد حقیر می‌شود. و از ترس بیزاری و خستگی (مخاطب) سخن کوتاه گوئی. کسی که به قصد تو می‌آید بر تو غالب است. سفرهای طولانی ناراحت‌کننده، و آرزوهای زیاد گمراهی است. و انسان غایب دوستی ندارد، و انسان مرده دلسوزی ندارد. ادب کردن انسانهای بزرگسال زجر و ناراحتی، و ادب کردن غلام بدبختی است. جسوری و گستاخی، امارت، و بی‌شرمی وزارت است. انسان صبور دستاویز احمق است. و حماقت بیماری است که علاجی ندارد، و صبر بهترین وزیر است، و دین آراسته‌ترین کارها است، و سرزنش دیگران سفاهت است، و آدم مست شیطان است و سخنانش هذیان، و شعر سحر است، و تهدید کردن زشت است، و مال‌پرستی بدبختی است. و شجاعت جاودانگی است، و هدیه دادن از اخلاق بزرگان است که محبت را بر جای می‌گذارد، و کسی که کار نیکی را ابتدا شروع کند دینداری کرده است، و کار نیک آن است که بدون درخواست و خواهش انجام شود. و کسی که خوش خدمت باشد به کرامت و بخشندگی می‌انجامد. خوش خدمتی بهتر از لعنت کردن انسانهاست. و اصالت و نژاد انسانها از بین رفتنی است، عادت و عرف چیزی است که در نهاد بشر است و اگر عادت تو خوب بود، خوب، و اگر بد بود طبیعت تو بد است، کسی که گرهی را بگشاید کینه‌ای را برداشته است، و رفتن به سوی پادشاه، شکست انسان است، و فرار ننگ است، و جلو حرکت کردن،

خطرناک است. و سریعترین منفعتها، آرامش و نرم‌خویی است. و بیماری زیاد به علت بخیل بودن است. و بدترین مردم کسانی هستند که در سخن گفتن زیاد علت تراشی می‌کنند، و خوش‌برخوردی کینه را از دلها می‌زداید، و نرم سخن گفتن از اخلاق بزرگان است.

فرزندم، زن آدمی آشیانه و آرامش اوست، و در صورت اختلاف زندگانی برای او ارزشی ندارد. پس وقتی خواستی ازدواج کنی در مورد خانواده او سوال کن، چون اصل پاک، ثمره‌های شیرین می‌دهد.

بدان که اختلاف زنان بیشتر از انگشتان دست می‌باشد،

پس از زبان‌داری آنان برحذر باش، عده‌ای از زنان زبان دراز و بددهن هستند که سرشت آنها بر آزار و اذیت

آفریده شده است. و عده‌ای خودپسند هستند. و از شوهر خود عیب و ایراد می‌گیرند، اگر شوهر او را گرمی بدارد می‌گویند به خاطر فضل من است، و از زیبایی او شکرگزار نیست، و به کم او راضی نیست، و زبانش علیه شوهرش

شمشیر براه است، و حقیقت خود را نشان می‌دهد، و حیا را از صورتش بر می‌دارد. از عورت‌های خود حیا نمی‌کند، و از همسایه خجالت نمی‌کشد، سگ هار و آشوب‌گر و

زخمی‌کننده است. پس صورت شوهرش را زخمی می‌کند و آبرویش را می‌برد. و به دین و دنیای خود اهمیتی

نمی‌دهد. و آن را نیز برای شوهرش حفظ نمی‌کند. و برای بچه‌هایش نیز حفظ نمی‌کند. حجابش برملا، و پوشش

پراکنده، و خیرات او مدفون است. شوهرش را غمگین و سرزنش می‌کند، نوشیدنیهای او تلخ و غذاهایش

ناراحت‌کننده است. و فرزندانش خراب و خانه‌اش ویران

و لباسهایش کثیف و موهایش ژولیده است. هنگام خندیدن رمق از خود می‌گیرد، و هنگام حرف زدن بیزاری می‌جوید، روزش شب، و شبش روز است، شوهرش را مثل مار می‌گزد، و مانند عقرب جراره با شوهرش زندگی می‌کند.

و بعضی از زنان مثل پیرزنان دادزن و سلیطه، نوعی سم مذاب هستند. و مانند صاعقه و رعد و برق، همراه هر بادی می‌وزند، و به هر طرف پرواز می‌کنند. اگر تو بگویی: نه، او می‌گوید، بله، و اگر تو بگویی: بله، او نه می‌گوید، مایه رسوایی و بدنامی است، آنچه را که دارد با چشم حقارت می‌نگرد. و دیگران را برای شوهرش مثال می‌زند، و او را محبوس و محدود می‌کند، و از حالی به حال دیگر منتقل می‌کند تا خانه‌اش را بر وی تنگ می‌کند، و فرزنداناش را خسته و بیزار می‌کند، و زندگی را برایش بی‌هدف می‌کند، تا جایی که برادرانش را انکار می‌کنند، و همسایگان به او رحم می‌کند.

و بعضی از زنان، احمق و نادان هستند و در غیر جای خود عشو و ناز می‌کنند، زبان خود را می‌جویند، با هم‌شان خود زندگی نمی‌کنند، و به دوست داشتن شوهرانشان خشنود هستند، و مانند چهارپایان غذا می‌خورند. با طلوع آفتاب صدایشان در می‌آید، خانه جارو شده ندارند، و غذاهایش همیشه شب‌ماندنی است. و ظرفهایشان چرپ است و خمیرش ترش و آبش همیشه نیمه گرم و ولرم می‌باشد، و لوازمش پراکنده، و استفاده از ظروفش ممنوع است، و خادم خود را می‌زند و با همسایه همیشه در حال جنگ است.

و بعضی از زنان مهربان و دوست‌داشتنی و پر برکت و زایا هستند. عیب و عارش پوشیده است، و همسایه را دوست دارد. پنهان و آشکارا شکرگزار است. شوهرش را گرامی می‌دارد، و به او افتخار می‌کند. صدایش پایین، خانه‌اش تمیز، خادمش فربه، فرزنداناش آراسته و نیکی‌اش همیشگی است، و شوهرش با آسودگی زندگی می‌کند، شایسته و مهربان است و به عفت و نیکی کردن موصوف است.

پسرم، خداوند متعال کسانی را سر راه تو قرار داده که به وسیله آنها هدایت شوی، و با انسانهای با تقوا همنشین شوی، و از خشم و ناراحتی بپرهیز و راضی بودن و قانع بودن را دوست داشته باش.

خداوند محافظ و نگه‌دار توست، و متولی کارهای تو است.

ولا حول ولا قوة إلا بالله العلي العظيم، وصلى الله

على محمد بنى الهدى وعلى آله وسلم تسليماً كثيراً.
(برگرفته از کتاب (روضه العقلاء ونزهه الفضلاء) ص (۳۳۲)، امام الحافظ ابی حاتم بن حبان البستی (متوفی ۳۵۴هـ)).